

اروپا پیرامون مسئله حقوق بشر، حداقل در سطوح کارشناسی، تجربه مناسبی بود. علاوه بر این تأکید پارلمان اروپا بر اتخاذ سیاست مستقل از آمریکا در «راهبرد اتحادیه اروپا در قبال ایران» نشان می‌دهد تمایل به حرکت مستقل از آمریکا و سیاست‌های تروئیکای آلمان، فرانسه و انگلستان در بطن جامعه اروپایی وجود دارد. ارتقا نسبی قطعنامه آخرین پارلمان اروپا نسبت به قطعنامه‌های پیشین، تأکید بر نقش مهم و موثر ایران در منطقه خاورمیانه که به زبان بی‌زبانی به رسمیت شناختن ایران به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای است، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ راهبرد اروپای دوم به معنی گسترش مخاطبان دیالوگ خود با غرب از حلقه بسته آمریکا و تروئیکای آلمان، فرانسه و انگلیس به کشورهای دیگر غربی می‌تواند، در پیش برد اهداف خود موفق باشد.

تأکید بر نقش مهم و موثر ایران در منطقه خاور میانه که به زبان بی‌زبانی به رسمیت شناختن ایران به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای است، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ راهبرد اروپای دوم به معنی گسترش مخاطبان دیالوگ خود با غرب از حلقه بسته آمریکا و تروئیکای آلمان، فرانسه و انگلیس به کشورهای دیگر غربی می‌تواند، در پیش برد اهداف خود موفق باشد

این ادعا هستند. همچنین حداقل در ۲ مورد (بند ۲۰ قطعنامه ۱۰ مارس ۲۰۱۱ و بند ۱۸ قطعنامه ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱) این قطعنامه‌ها، همانند مصوبه فعلی، از مسئولان اروپایی درخواست می‌کنند تا در ملاقات‌های خود با مسئولان ایرانی، موضوع حقوق بشر را پیگیری و اولویت دهند. هرچند ظاهراً به دلیل فقدان ارتباط دیپلماتیک، این‌گونه موارد یا امکان‌پذیر نشده، یا به شکلی کم‌رنگ صورت می‌گرفته است.

با تمام این وجود، آن‌چه بیش از همه باعث واکنش شدید مقامات ایرانی شد، ۲ پاراگرافی بود که به «عدم هم‌خوانی انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر ایران با استانداردهای مورد قبول اتحادیه اروپا» و «الزام نمایندگان اروپایی برای طرح مسائل حقوق بشری و دیدار با فعالان حقوق بشری در هنگام بازدید از ایران» اشاره داشت. در حقیقت، افکار عمومی ایرانیان نیز، هرچند طبیعتاً نسبت به کلیت این‌گونه قطعنامه‌ها بی‌اطلاع بوده، یا تمایلی به مطالعه آن ندارد، اما این‌گونه اشاره سخیف به انتخابات ریاست‌جمهوری ایران، که شیوه برگزاری و نتیجه آن، افتخار بسیاری از ایرانیان در سال گذشته بوده، وجهه مداخله‌گرانه و منفی کم‌سابقه‌ای را در ذهن ایرانیان نسبت به اروپائیان ایجاد نمود.

چه باید کرد؟

به هر حال در مدیریت این موضوع، به نظر می‌رسد عبور سریع از فضای موضع‌گیری و ورود به فضاهای کارشناسی می‌تواند اولویت فعلی در مدیریت این جریان باشد. جمهوری اسلامی همواره اعلام کرده که نظام حقوقی آن، غنی‌تر، جامع‌تر و فطری‌تر از نظام حقوق بشری حاکم بر فضای بین‌المللی و به‌ویژه غرب است. در این راستا، اتفاقاً مناسب است نظام قضایی و تقنینی کشور از پیشنهاد گفت‌وگو و دیالوگ حقوق بشری با پارلمان اروپا استقبال کرده، از این فرصت برای تبیین دقیق استدلال‌ها و احکام حقوق بشری و شفاف‌سازی دیدگاه جمهوری اسلامی نسبت به این امر استفاده نماید. تجربه ۲ دور گفت‌وگوهای انتقادی و سازنده با اتحادیه

رضایت خود را تقویض یا سلب کند. این بدان معنی است که اگر، برای مثال، اتحادیه اروپا بخواهد توافقنامه تجاری با ایران امضا کند، باید توسط پارلمان اروپا تصویب شود. اما مواضع پارلمان اروپا در امور خارجی از وزن [سیاسی] برخوردارند، حتی اگر از نظر قانونی الزام‌آور نباشند، زیرا آن‌ها توسط تنها سازمانی از اتحادیه اروپا اتخاذ شده‌اند که به طور مستقیم انتخاب شده‌اند و در نتیجه حامل پیام‌های سیاسی مهمی هستند.

قطعنامه چه می‌گوید؟

محتوای قطعنامه فعلی، برخلاف تمامی قطعنامه‌های قبلی، اشاره‌های مثبتی هم به پیشرفت‌های حاصل شده دارد. استقبال از گفت‌وگوهای هسته‌ای، ابتکار رئیس‌جمهور درباره منشور حقوق شهروندی، میزبانی اتباع افغانی، به رسمیت شناختن نقش ایران در مدیریت بحران سوریه، مخالفت با هرگونه راه‌حل غیرمسمولت‌آمیز در حوزه هسته‌ای، تعیین موضوعات مختلف برای همکاری در حوزه‌های فناوری و اقتصادی و تجاری، ازجمله این مواردند. در کنار آن، ادعاهایی همچون غیرمنطقی بودن شرایط انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر با استانداردهای مورد قبول اتحادیه اروپا، ملزم نمودن اعضای پارلمان به دیدار با فعالان حقوق بشری هنگام حضور در ایران، تکرار ادعاهای بی‌اساس درخصوص وضعیت حقوق بشر در کشور، پیشنهاد کمک به نهادهای مدنی داخلی، انتقاد از وضعیت زنان و برخی موارد دیگر، ازجمله نکات منفی و ادعایی این متن می‌باشند. باین حال، نگاه به متن ۷ قطعنامه قبلی پارلمان علیه ایران، به‌خوبی نشان می‌دهد که محتوای آن قطعنامه‌ها به‌مراتب تندتر و مداخله‌جویانه‌تر بوده، کاملاً فاقد حداقل‌های مثبت ذکرشده در مصوبه حاضر می‌باشند. قطعنامه ۱۰ مارس ۲۰۱۱ پارلمان اروپا که در ابتدا بخش خاصی تحت عنوان مسائل داخلی ایران داشته، یا قطعنامه ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲ که مختص اقلیت‌های قومی کشور بوده، نقض ادعایی حقوق آنان ازسوی نظام را «سیستماتیک و هدفمند» برمی‌شمرد، ۲ مستند مشخص بر